فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۷، صفحات ۳۷-۹

تبیین فرهنگی و اجتماعی مصرف آب در بخش کشاورزی با تأکید بر نگرش سنجی کشاورزی شهرستان گرمسار

بیژن زارع[۱]، صلاح‌الدین قادری[۲]، محمد کاظم کوهی[۳]، ژیلا مشیری[٤]

تاریخ دریافت:۱۳۹٦/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مصرف آب است. جامعه‌ی آماری تحقیق را کشاورزان شهرستان گرمسار تشکیل می‌دهند که بنا بر آمار اداره‌ی جهاد کشاورزی ٥٦٧٥ نفر می‌باشند. از این تعداد بر اساس نمونه‌گیری کوکران ٣٦٦ نفر به عنوان نمونه و به صورت تصادفی انتخاب و از طریق پرسش‌نامه، اطلاعات لازم گردآوری شده است. روش تحقیق کمی بوده و تلاش شده است تا با استفاده از روش چند متغیره‌ی مدل‌سازی معادله ساختاری مدل برآمده از چارچوب نظری تحقیق آزمون شود. چارچوب نظری تحقیق را نظریه‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی و نظریه‌ی بوردیو درباره‌ی انواع سرمایه‌ی فرهنگی - اجتماعی تشکیل می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که داده‌های تجربی بر اساس انواع مختلف شاخص‌های پردازش، مدل نظری را حمایت می‌کنند. همچنین فرضیاتی که بیان‌گر رابطه‌ی معنادار بین انواع مختلف سرمایه و خرده‌فرهنگ دهقانی بودند تأیید و آن‌هایی که بر وجود رابطه‌ی معنادار بین انواع مختلف سرمایه و نگرش به مصرف آب تأکید داشتند رد شده‌اند. همچنین ارتباط معنادار و نیرومندی بین خرده‌فرهنگ دهقانی و نگرش به مصرف آب وجود دارد. براساس نتیجه‌ی نهایی مقاله، انواع مختلف سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی بر نگرش به مصرف آب تأثیر دارند.

واژه‌های کلیدی: مصرف آب؛ خرده‌فرهنگ دهقانی؛ سرمایه‌ی فرهنگی؛ سرمایه‌ی اجتماعی؛ سرمایه‌ی اقتصادی.

[۱] دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، dr_bizhanzare@yahoo.com

[۲] استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، salahedin.gh@gmail.com

[۳] دانشیار گروه علوم پایه، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، mkkoohi@ut.ac.ir

[٤] دانشجوی دکتری رشته‌ی سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه خوارزمی(مدیر گروه اسطوره و آیین پژوهش‌کده‌ی مردم‌شناسی)، (نویسنده‌ی مسئول)، jilamoshiri@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه

رشد جمعیت و افزایش سرانه‌ی مصرف از یک سو و توسعه‌ی روزافزون فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی از سوی دیگر موجب گردیده است تا منابع آبی به طور فزاینده‌ای در جهان کاهش پیدا کند. بنا به پیش‌بینی انجام‌شده، در سال ۲۰۲۵، ۱/۸ میلیارد نفر در جهان در مناطقی که دچار کمبود مطلق آب هستند و دو سوم جمعیت جهان در کشورهای دارای تنش آبی زندگی می‌کنند (برنامه محیط زیست سازمان ملل،[1] ۲۰۰۷: ٤۳). بر اساس بررسی‌های مؤسسه‌ی بین‌المللی آب آمریکا، با وجود ٤ برابر شدن جمعیت در طول قرن بیستم، سایر فاکتورهای وابسته به مصرف منابع، با نرخ بیش‌تری رشد داشته‌اند. در واقع مصرف نامناسب و عملکردهای نابجای بشر در اکوسیستم باعث شد تا نیمی از تالاب‌های جهان در طول قرن بیستم خشک شود (چشم‌انداز جهانی آب،[2] ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵).

ایران نیز از این قاعده جهانی مستثنی نبوده و طبق پیش‌بینی انستیتو جهانی منابع، با روند مصرف کنونی تا سال ۲۰٤۰ ایران بیش از ۸۰ درصد منابع آبی خود را از دست خواهد داد. جمعیت ایران در سه دهه‌ی اخیر دو برابر افزایش یافته، ولی حجم آب وارده به کشور یا ثابت بوده و یا در بعضی از سال‌ها با کاهش شدید مواجه شده است. علاوه بر این، تلفات آب در بخش کشاورزی سالانه حداقل معادل ۵۲ میلیارد دلار برآورد شده است (آل شفیعی فومنی، ۱۳۸۸: ۱۱). بنابراین کشور ما به علت موقعیت جغرافیایی و توزیع نامناسب مکانی و زمانی بارش، با چالش‌های گوناگونی در ارتباط با تأمین آب مواجه است. از طرف دیگر میزان برداشت از ذخایر آب‌های زیرزمینی، حدود ۱/۵ برابر میزان تغذیه آن‌ها بوده است (مساعدی، حسنعلی‌زاده، قبایی، حیران، ۱۳۹٤: ٥٤۰).

شهرستان گرمسار نمونه‌ای است از ده‌ها شهرستان و منطقه‌ی کشور که با چالش آب روبه‌رو هستند و با بحران کم آبی دست و پنجه نرم می‌کنند. در به‌وجودآمدن این بحران آب عوامل متفاوتی نقش دارند. بخش کشاورزی از یک طرف، به شدت تحت تأثیر بارش و منابع تجدیدشونده‌ی جوی است. از طرفی دیگر مقدار آب‌دهی رودخانه‌ها و یا سطح آب‌های زیرزمینی نیز به عنوان متغیر متأثر از بارش با مکان و زمان تغییر می‌کنند.

[1] UNEP 2007
[2] Global Water Outlook

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اتلاف آب در بخش کشاورزی از دیگر بخش‌ها (صنعتی و شرب) بیش‌تر است. در ایران زراعت‌های آبی رکن اساسی کشاورزی کشور را تشکیل می‌دهند. بر اساس آمارهای موجـود وسـعت اراضـی تحـت آبیاری ایران ۷/۸ میلیون هکتار است که این رقم کشور را در ردیف پنجم کشورهای جهان از نظر وسعت اراضی آبی قرار می‌دهد. تقریباً ۹۸٪ محصولات غذایی تولیدشده در ایران از اراضی آبی به دست می‌آید. علاوه بر این ۲۳٪ مشـاغل و ۲۷٪ تولید ناخالص ملی مربوط به بخش کشاورزی است. در بسیاری از نقاط کشور تقریباً تمام آب مورد نیاز زراعت‌ها بـا آبیـاری تأمین می‌شود و همین امر سبب شده است که منابع آبی کشور و به خصوص آب‌های زیرزمینی به سرعت تخلیـه و بـه مرحلـه‌ی بحرانی برسد(بردبار، سلوکی، بردبار، ۱۳۸۸: ۳۰). مسئله‌ی مهمی که در این جا مطرح می‌شود این است که با توجه به سهم بخش‌های مختلف در تقاضا برای آب چه مقدار از کمبود آن به دلیل تغییرات اقلیم و چه میزان از آن به سبب تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؟ «بر اساس یافته‌های مطالعات پیشین در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۵۰ تنها ۱۰ درصد از معضل کم‌آبی در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا مربوط به تغییر اقلیم و ۹۰ درصد آن مربوط به تغییرات اقتصادی- اجتماعی است. در کشورهایی مثل ایران و مراکش که بخش کشاورزی آن‌ها عمده‌ترین مصرف‌کننده‌ی آب است، نقش تغییر اقلیم افزایش‌یافته و به حدود ۲۰ درصد می‌رسد»(ابراهیمی، ۱۳۹۳: ٦). نکته‌ی قابل تأمل سهم بالای تغییرات اقتصادی- اجتماعی در ایجاد تنش آبی برای کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا است. این سهم که برای کشور ایران ۸۲ درصد است نشان می‌دهد، قسمت عمده‌ای از بحران کمبود منابع آبی از طریق ایجاد تغییرات اقتصادی - اجتماعی مؤثر، قابل سیاست‌گذاری و کنترل است.

نکته قابل توجه دیگر که ضرورت تأکید بر رویکرد جامعه‌شناختی در مطالعات آب را موجب می‌شود این است که شیوه‌ی مصرف آب در بخش کشاورزی بیش از این که یک کنش مهندسی هیدرولیکی باشد، یک فعالیت فرهنگی _ اجتماعی است. فهم عمیق مسائل تکنیکی و اقتصادی بدون فهم بستر اجتماعی که نظام در آن حک شده است، ممکن نیست(تیواری[1]، ۲۰۱۰: ۲۰۸). وضعیت اجتماعی _ فرهنگیِ محیطی که فرد در آن به سر می‌برد، مـی‌توانـد متغیرهـای

[1] Tiwary

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تأثیرگذاری بر نگرش و رفتار افراد به وجود آورد. برای مثال، سکار[1] نشان می‌دهد که سنت‌ها و الگوهای فرهنگی به‌شدت نگرش فرد را نسبت به مسائل حفاظتی تحت تأثیر قرار می‌دهند. (سکار، ۲۰۰۳: ۳٤۱) نکمبی[2] عواملی مانند منبع درآمد و راهکارهای زندگی معیشتی را بر نگرش حفاظتی افراد مؤثر می‌داند. سطح سواد کشاورزان نیز عامل دیگری است که بر دیدگاه آن‌ها تأثیر می‌گذارد(فیشر و وال[3]، ۲۰۰۷: ۲٦۱).

در حقیقت، تحقیقات ایستاری در کشاورزی، نوعی راهنمایی برای پیش‌بینی رفتار کشاورزان ارائه می‌دهد. برای مثال، فعالیت‌های کشاورزی مرتبط با استفاده از آب به رفتارهای کشاورزان بستگی دارد(ن.ک آواشی[4]،۲۰۰۳). بنابراین آگاهی از نوع متغیرهایی که بر نگرش و دیدگاه افراد تأثیرگذار هستند، می‌تواند مبنایی بر سیاست‌گذاری در این حوزه باشد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت که مسئله‌ی اساسی در این تحقیق، شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر نگرش و دیدگاه کشاورزان شهرستان گرمسار به مصرف آب در بخش کشاورزی است.

پیشینه‌ی پژوهش

بحران آب ماهیتی جهانی دارد. از این رو در بیش‌تر نقاط دنیا و در رشته‌های مختلف علمی به مطالعات در این حوزه اقدام شده است. با این حال مطالعاتی که رویکردی جامعه‌شناختی داشته باشند، محدود هستند. در زیر به برخی از کارهای انجام‌شده که دارای رویکردی جامعه‌شناختی هستند و یا دست کم بر فاکتورهای اجتماعی – فرهنگی تأکید داشته‌اند، اشاره می‌شود.

کلودیا[5] *و دیگران* در سال ۲۰۰۷ اهمیت یادگیری اجتماعی و فرهنگ برای توسعه‌ی پایدار و لزوم دورشدن از مدیریت مهندسی‌محور آب و رسیدن به الگوی مدیریت یک‌پارچه را با رویکرد یادگیری فرهنگی و اجتماعی برای مدیریت منابع زیستی مورد توجه قرار می‌دهند.

[1] Sekhar
[2] Nkembi
[3] Fischer A and Wal
[4] Awasth
[5] Claudia

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرانک آ وارد و مانوئل پولیدو[1] در سال ۲۰۰۸ رابطه‌ی بین حفاظت از آب و مصرف آب در آمریکای شمالی را بررسی کرده و نتیجه‌گیری کرده‌اند که تغییر آب و هوا، محدودیت‌های تأمین آب و ادامه‌ی رشد جمعیت، باعث افزایش تلاش‌ها در جهت یافتن اقداماتی برای حفظ آب در بخش کشاورزی به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ی آب شده است.

مارسل کوپر *و دیگران* در سال ۲۰۰۹ در مراکش موضوع رویکرد مشارکتی را در طراحی پروژه‌های قطره‌ای مشترک بررسی کرده و معتقدند محیط یادگیری به کشاورزان کوچک در تصمیم‌گیری بهتر و آگاهانه در انتخاب یا عدم شرکت در یک پروژه‌ی مشترک و هنگام طراحی و اجرای چنین پروژه‌ای کمک می‌کند.

راکش تیواری[2] سازمان اجتماعی چشمه‌های مشترک را در پنجاب در سال ۲۰۱۰ مورد مطالعه قرار می‌دهد. او به نشان‌دادن چگونگی انطباق یک نظام سنتی با تکنولوژی‌های جدید پرداخته و معتقد است رابطه‌ی نزدیک میان نظام آب‌یاری و ساختارهای اجتماعی وجود دارد.

سرکار آنیندیتا[3] در سال ۲۰۱۱ دلالت‌های ضمنی اجتماعی – اقتصادی تخلیه‌ی آب‌های زیرزمینی را در پنجاب پاکستان مطالعه کرده و به این نتیجه می‌رسد که برخی کشاورزان به دلیل فقر و نداری نمی‌توانند از نظر سرمایه و تکنولوژی از آب‌های زیرزمینی استفاده کنند در نتیجه از مزایای آب‌های زیرزمینی که برق مجانی به آن تعلق می‌گیرد برخوردار نمی‌شوند. این فرآیند باعث می‌شود تا زمین‌داران کوچک تبدیل به کشاورزان بی‌زمین شوند.

تیموسی. ام. وارینگ در سال ۲۰۱۱ نیروهای قومی در کنش جمعی مدیریت آب را در تامیل نادو بررسی کرده و معتقد است عوامل مختلف سلطه‌ی قومی از جمله قشربندی سلسله‌مراتبی و سلطه‌ی جمعیتی، خروجی‌های مدیریت جمعی را قویاً تحت تأثیر قرار می‌دهند.

میخائیل کاکس[4] در سال ۲۰۱٤ کاربرد چارچوب نظام محیطی – اجتماعی در مطالعه نظام آب‌یاری در تاوس، نیومکزیکو مطالعه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که چگونه کانال‌های انتقال آب یک نظام حکم‌روایی چندسطحی را از طریق ویژگی‌های کلیدی شبکه تشکیل می‌دهند و

[1] Frank A Ward and Manuel Pulido
[2] Rakesh Tiwary
[3] Sarkar Anindita
[4] Michael Cox

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چگونه این ساختار حکم‌روایی بر سیستم منابع پیاده می‌شود؛ درحالی‌که مزایای کافی برای ایجاد همکاری مداوم در طول زمان را برآورده می‌سازد.

لیزا بوسنبروک و مارگریت زواتوین[1] در سال ۲۰۱٤ مدیریت در پامیر تاجیکستان یک سلطه‌ی مردانه را مطالعه کرده‌اند. به طور کلی نتایج این پژوهش اولاً اهمیت شیوه‌های پیچیده‌ی چگونگی پیوند سلسله مراتب اجتماعی - سیاسی را با قدرت و حقوق آب برجسته می‌کند؛ ثانیاً نشان می‌دهد که چگونه مردان و زنان قدرت و کارشان را درک می‌کنند. این امر مبتنی بر ادراک و احساسات جنسیتی آن‌ها است که توسط تجربه‌های پیشین تاریخی و تجربی و همچنین تصور آینده‌ی احتمالی شکل می‌یابد.

یوسف شمس‌الدینی در سال ۱۳۹۰ بهینه‌سازی مصرف آب را با تأکید بر اهداف اجتماعی در کرمان بررسی کرده و به طراحی الگوی برنامه‌ریزی چندهدفی غیرخطی فازی می‌رسد.

نوری *و دیگران* در سال ۱۳۹۲ تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر نگرش کشاورزان درباره‌ی مدیریت آب زراعی در کرمانشاه، چرداول را بررسی می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین پارامترهای چگونگی عملکرد کشاورزان در زمینه‌ی گندم آبی، میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی، میزان مشارکت اجتماعی و دانش فنی بهره‌برداران با متغیر نگرش کشاورزان درباره‌ی مدیریت آب زراعی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

عبدالمجید نظری و رضا منافی آذر در سال ۱۳۹۳ عوامل و موانع پذیرش شیوه‌های نوین آب‌یاری را در آذربایجان غربی، میاندوآب بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهای اجتماعی – فردی (مانند سن، تحصیلات، شغل، محل سکونت، تبلیغ و ترویج و علایق شخصی) و متغیرهای اقتصادی (مانند مالکیت ماشین‌آلات، اعتبارات دولتی و...) اثر معناداری در پذیرش سیستم‌های تحت فشار دارند.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

بنیان و منطق نظری این مطالعه، تلفیقی است از نظریه‌ی بوردیو[2] در مورد انواع سرمایه و نظریه‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی. همچنین با الهام از نظریات روان‌شناسی اجتماعی به بیان معانی و

[1] Lisa Bossenbroek and Margreet Zwarteveen
[2] Burdio

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ابعاد مفهوم نگرش پرداخته می‌شود. استدلالی که زیربنای انتخاب این دو نظریه‌ی متفاوت را شکل می‌دهد، این است که افراد مختلف (کشاورزان) با ترکیب‌های متفاوتی از انواع سرمایه، وارد میدان‌های اجتماعی (میدان کشاورزی) شده و در نتیجه به میزان متفاوتی از خرده‌فرهنگ دهقانی به عنوان یکی از موانع اصلی توسعه برخوردار هستند. در این جا خرده‌فرهنگ دهقانی، مابین متغیرهای مستقل (انواع سرمایه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) و متغیرهای وابسته (نگرش به مصرف آب و نوع مصرف آب در بخش کشاورزی) به عنوان متغیری میانجی عمل می‌کند.

بوردیو از جمله جامعه‌شناسانی است که بر روابط میان ساختار ذهنی و روابط عینی تأکید دارد و معتقد به رابطه متقابل آن‌هاست. وی در بحث راجع به پایگاه طبقاتی افراد از چهار نوع سرمایه صحبت می‌کند که طبقات اجتماعی در ارتباط با داشتن یا نداشتن آن‌ها رتبه‌بندی می‌شوند عبارتند از: نخست، سرمایه‌ی اقتصادی یا دارایی مولد؛ دوم، سرمایه‌ی اجتماعی یا موقعیت‌ها و روابط موجود در گروه‌بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی؛ سوم، سرمایه‌ی فرهنگی یا مهارت‌های غیررسمی شخصی، عادت‌ها، مدارک تحصیلی، ذائقه‌ها و... و در نهایت سرمایه‌ی نمادین یا کاربرد نمادها برای مشروعیت‌بخشیدن به تعلق به سطوح متغیر و شکل‌بندی‌های سه نوع سرمایه‌ی دیگر (ترنر[1]، ۱۹۹۸: ۵۱۲). تأکید این پژوهش بر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

به طور کل می‌توان گفت که افراد و گروه‌های مختلف در یک جامعه، از موقعیت‌های متفاوت و متمایزی برخوردار هستند (وضع یا فضای اجتماعی). افراد یا گروه‌ها از طریق درونی‌کردن این وضعیت و نمادهای آن، یک نظام طبقه‌بندی اجتماعی را در ذهن خود شکل می‌دهند. هر نظام طبقاتی واجد و تولیدکننده، مجموعه‌ای از ترجیحات و انتخاب‌ها (سلیقه‌ها) بوده که از طریق آن‌ها نظام اجتماعی بازتولید می‌شود (بوردیو، ۱۳۸۱: ۲۳۸). آن‌چه در این جا مهم است عبارت است از در نظر گرفتن نظام آب‌یاری به مثابه‌ی نظامی اجتماعی که از سازمان اجتماعی خاصی برخوردار بوده و کنش‌گران با ترکیب متفاوتی از انواع سرمایه وارد آن شده و ضمن برخورداری از فرهنگ (خرده‌فرهنگ دهقانی) خاص خود حامل نگرشی منحصر به فرد درباره‌ی مصرف آب در بخش کشاورزی بوده و بر این اساس به نوع خاصی از کنش اجتماعی، یعنی آب‌یاری می‌پردازند.

خرده‌فرهنگ دهقانی به عنوان محصول و نتیجه‌ی جایگاه فرد در فضای اجتماعی که همان سازمان اجتماعی آب‌یاری است، در نظر گرفته شده است. خرده‌فرهنگ دهقانی یکی از مفاهیم

[1] Turner

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اصلی نظریه‌ی نوسازی در توسعه‌ی روستایی است. این نظریه متعلق به راجرز[1] بوده و از نظر وی چنان‌چه برنامه‌های توسعه بر مبنای شناخت فرهنگ روستاییان بنا نشود، شکست خواهد خورد. وی معتقد است که با وجود تنوع و تفاوت بین دهقانان یک جامعه و یا بین دهقانان در سراسر دنیا می‌توان از آن‌ها به عنوان گروهی که متمایز از سرمایه‌داران ارضی و شهرنشینان هستند و دارای فرهنگی متفاوت می‌باشند یاد کرد. وی این فرهنگ متفاوت را خرده‌فرهنگ دهقانی می‌نامد (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

نکته‌ی قابل توجه در نظریه‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی در این مطالعه عبارت است از نقش آن در ممانعت از توسعه‌ی شیوه‌های نوین و کم‌مصرف‌تر آب‌یاری همچون آب‌یاری قطره‌ای در مقابل شیوه‌های سنتی و پرمصرف همچون آب‌یاری غرق‌آبی. در واقع موضوع ارتباط بین فرهنگ و توسعه مطرح است. به طور کل فرهنگ و توسعه به معنای نقش فرهنگ و فرآیندهای فرهنگی در نیل به توسعه است. هدف فرهنگ و توسعه، «توسعه» است. مناسبات، میان فرهنگ و موارد عملی بقا و بهبود شرایط انسان و روش‌هایی است که فرهنگ می‌تواند در تحقق آن‌ها مؤثر باشد. به نظر کلاکستون[2]، مفهوم فرهنگ و توسعه به تعاملات میان فرهنگ و توسعه مربوط می‌شود و دارای ابعاد گوناگونی است و با آگاهی از این واقعیت شروع می‌شود که برنامه‌های توسعه‌ای که به عوامل و محیط فرهنگی توجه نداشته باشند، با شکست مواجه می‌شوند.

نظریه‌پردازان و متفکران فراوانی به ویژه در مکتب نوسازی به موانع توسعه‌ی روستایی توجه نشان داده‌اند و تلاش کرده‌اند که با اشاره به عناصر مختلف خرده‌فرهنگ دهقانی دلایل توسعه‌نیافتگی برخی از نقاط جهان را در نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی آن‌ها جستجو کنند (کرم‌پور و یوسف‌وند، ۱۳۹۱: ۱۴۳). در این باره به عناصر مختلفی از خرده‌فرهنگ دهقانی اشاره کرده‌اند. با این حال در مطالعه‌ی حاضر، تأکید بر سه عنصر از عناصر اصلی و تشکیل‌دهنده‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی است. این سه عنصر عبارتند از: فقدان نوآوری؛ عدم توجه به آینده و تقدیرگرایی.

فقدان نوآوری بیانگر این امر است که دهقانان معمولاً در عکس‌العمل نسبت به ایده‌های تازه، فاقد نوآوری هستند. آن‌ها اغلب اعمالی را که توسط اجدادشان رعایت می‌شده است دنبال می‌کنند

[1] Rogers
[2] Claxton

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

و در بسیاری موارد نسبت به شقوق دیگر، شناخت و آگاهی ندارند. تقدیرگرایی به درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده تعریف می‌شود. راجرز در این باره می‌گوید که دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می‌دانند و در نهایت این که عدم توجه به آینده، بیانگر ناتوانی دهقانان در چشم‌پوشی از منابع آنی به خاطر منافع آینده است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۵).

هرچند مباحث نظری مربوط به نگرش بیش‌تر در حوزه‌ی روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مطرح است، اما در این جا جهت روشن‌نمودن فضای مفهومی آن، نکاتی چند مطرح می‌شود. واژه‌ی نگرش برای نخستین بار توسط زنانیکی[1] وارد بررسی‌های جامعه‌شناختی شد. این اصطلاح از دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد متداول گردید. به طور کل نگرش عبارت است از یک نوع آمادگی فکری و عصبی که توسط آن تجربه، سازمان‌دهی می‌شود و بر عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه‌ی پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سروکار دارد، تأثیر جهت‌دهنده یا پویایی دارد (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ٦).

معمولاً در ساختار نگرش، سه عنصر عاطفی، شناختی و تمایل به عمل را از یکدیگر متمایز می‌کنند. عنصر عاطفی به این حقیقت اشاره دارد که بعدی احساسی و عاطفی به باورهای ما پیوند خورده است. بعد شناختی به میزان آگاهی و اطلاعات فرد در باره‌ی پدیده‌ی مورد بررسی اشاره دارد. در نهایت ترکیب ابعاد احساسی و شناختی منجر به آمادگی برای اقدام به عمل در مورد پدیده‌ای خاص می‌گردد(آقامحمدی و میرمحمدی، ۱۳۸۷: ٦۲).

فرضیه‌های پژوهش

در این مطالعه با توجه به چارچوب نظری و اهداف و سؤالات تحقیق فرضیه‌های متعددی مطرح است که در ادامه با استفاده از روش‌های آماری مناسب به آزمون آن‌ها می‌پردازیم. روش آماری مورد استفاده در این مطالعه عبارت است از مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری.

فرضیه‌ی اول: بین سرمایه‌ی اقتصادی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

[1] Znaniecki

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیه‌ی دوم: بین سرمایه‌ی اجتماعی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: بین سرمایه‌ی فرهنگی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی چهارم: بین سرمایه‌ی اقتصادی و خرده‌فرهنگ دهقانی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی پنجم: بین سرمایه‌ی اجتماعی و خرده‌فرهنگ دهقانی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی ششم: بین سرمایه‌ی فرهنگی و خرده‌فرهنگ دهقانی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی هفتم: بین خرده‌فرهنگ دهقانی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی کشاورزان ساکن در شهرستان گرمسار تشکیل می‌دهند. شهرستان گرمسار یکی از شهرستان‌های تابع استان سمنان است. دلیل انتخاب گرمسار به عنوان جامعه‌ی مطالعاتی این است که این شهرستان از چند نظر در حوزه‌ی آب اهمیت دارد:

- به جز چند روستا که در قسمت شمالی شهرستان گرمسار واقع شده و در کوهستان قرار دارند، کل نقاط شهری و روستاهای جنوب شهر گرمسار که تعداد آن‌ها نسبت به دیگر نقاط بیش‌تر است، در موقعیت دشتی و حاشیه‌ی کویر قرارگرفته‌اند(اسدی، ۱۳٤٦:۳۵).
- «شدت بیابان‌زایی در این منطقه در کلاس متوسط و شدید قرار دارد. بیش از 75 درصد منطقه در کلاس متوسط بیابان‌زایی قرار دارد»(آذره، زهتابیان، نظری سامانی و خسروی، ۱۳۹٤: ٤۳۰).
- «کیفیت نامطلوب آب این شهرستان و سختی آن که به علت وجود املاح فراوان عملاً برای شرب قابل استفاده نیست»(مشیری، ۱۳۹٤: ۸۷)

واحد مطالعه در این تحقیق عبارت است از کلیه‌ی بهره‌برداران بخش کشاورزی در شهرستان گرمسار. بر اساس آمار مرکز آمار ایران، کلیه‌ی بهره‌برداران بخش کشاورزی استان سمنان ۳۸٦۷۲

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نفر است که ۵۶۷۵ نفر آن‌ها متعلق به شهرستان گرمسار است. با استفاده از روش محاسبه‌ی کوکران[1] از این تعداد ۳۶۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

روش مطالعه‌ی حاضر کمی بوده و با استفاده از روش‌های آماری مختلف به توصیف و تحلیل جامعه مورد مطالعه پرداخته شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق انجام پیمایش در جامعه‌ی هدف و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. به طور مشخص از روش آماری چند متغیره‌ی مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری استفاده شده است. در این راه با استفاده از نرم‌افزارهای spss و AmosGraphic وضعیت جامعه مورد بررسی از نظر متغیرهای مورد بررسی توصیف و تحلیل شده است.

جهت تعیین روایی و پایایی ابزار گردآوری اطلاعات اقدام به انجام یک پیش‌آزمون شده است. در این پیش‌آزمون با تعداد ۳۰ نفر از پاسخ‌گویان، مصاحبه انجام و پرسش‌نامه‌ها پر شده است.

نتایج آلفای کرونباخ[2] و تحلیل عاملی تأییدی در جدول شماره‌ی یک میزان آلفای کرونباخ و KMO برای هر متغیر به تفکیک آمده است.

جدول شماره‌ی یک- نتایج اجرای آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی تأییدی برای متغیرهای پژوهش

روش‌های برآورد روایی و پایایی	متغیرهای تحقیق								
	نگرش به مصرف آب	خرده فرهنگ دهقانی			سرمایه اجتماعی			سرمایه فرهنگی	سرمایه اقتصادی
		فقدان نوآوری	عدم توجه به آینده	تقدیرگرایی	اعتماد عمومی	اعتماد نهادی	مشارکت اجتماعی		
آلفای کرونباخ	۰.۷۶	۰.۸۷	۰.۸۱	۰.۹۰	۰.۶۵	۰.۸۳	۰.۸۷	۰.۸۲	۰.۶۰
KMO	۰.۷۸	۰.۸۵	۰.۷۷	۰.۸۵	۰.۸۵	۰.۸۹	۰.۷۵	۰.۸۳	۰.۶۳

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق شامل دو بخش تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق و تحلیل چندمتغیره است. ابتدا به توصیف جامعه‌ی مورد مطالعه بر اساس متغیرهای مختلف(زمینه‌ای) می‌پردازیم و سپس به

[1] Cochran
[2] Cronbach's alpha

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تبیین رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و آزمون فرضیات با استفاده از روش آماری مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری.

بر اساس یافته‌های پژوهش، از مجموع کل پاسخ‌گویان ۹۹/۵ درصد مرد و ۰/۵ درصد زن هستند. در واقع از مجموع ۳٦٦ پاسخ‌گو تنها ۲ نفر زن هستند. این تفاوت می‌تواند به دلایل اجتماعی و فرهنگی باشد. از جمله این که کار کشاورزی به طور سنتی در جامعه‌ی روستایی کشور ما به عنوان کاری مردانه تعریف می‌شود. هرچند ممکن است زنان نیز در این امر مشارکت داشته باشند، اما شاید فعالیت آن‌ها محدود به سایر بخش‌ها همچون دامداری و... باشد. همچنین میانگین سنی پاسخ‌گویان ۵۳/۸۷ و انحراف معیار ۱۳/۷۰۱ است. جوان‌ترین پاسخ‌گو ۱۹ و مسن‌ترین آن‌ها ۸۷ سال سن دارد. همان‌طور که از داده‌های این جدول مشخص است بیش‌تر پاسخ‌گویان در دوره‌ی میان‌سالی و بزرگ‌سالی قرار دارند و گروه جوانان در میان آن‌ها کم‌تر است. این امر می‌تواند نشانه‌ای از روند شکل‌گیری پدیده‌ی سالمندی در روستاهای مورد بررسی باشد که این پدیده، خود بیش‌تر ناشی از مهاجرت جوانان و افراد از نظر اقتصادی فعال از روستا است.

نوع آب‌یاری مورد استفاده، عاملی اصلی در میزان مصرف آب در بخش کشاورزی است. در جامعه‌ی هدف این مطالعه در کنار شیوه‌های سنتی آب‌یاری سنتی (از جمله آب‌یاری غرق‌آبی)، استفاده از شیوه‌ی آبیاری قطره‌ای، روشی در حال افزایش بوده و یکی از شیوه‌های اصلی آب‌یاری است. با این حال حدود ۷۵ درصد پاسخ‌گویان از شیوه‌ی آب‌یاری سنتی غرق‌آبی استفاده می‌کنند. ۱٦/۷ درصد از آب‌یاری قطره‌ای و ۸/۲ درصد نیز هر دو شیوه‌ی آب‌یاری قطره‌ای و غرق‌آبی را به کار می‌برند. ۳ صدم درصد نیز از سایر شیوه‌ها استفاده می‌کنند(جدول شماره‌ی دو).

جدول شماره‌ی دو- توزیع پاسخگویان بر حسب نوع آبیاری مورد استفاده

نوع آبیاری	غرق آبی	تحت فشار قطره‌ای	هردو	سایر
تعداد	۲۷۴	۶۱	۳۰	۱
درصد	۷۴.۹	۱۶.۷	۸.۲	۰.۳

یافته‌های بخش تحلیلی مبتنی بر روش مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری است. در یک مدل معادله‌ی ساختاری، پژوهش‌گر از طرفی به دنبال اندازه‌گیری مجموعه‌ای از متغیرهای پنهان با

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

استفاده از مجموعه‌ای از معرف‌ها است و از طرف دیگر روابط ساختاری بین متغیرهای پنهان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد(قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۲۱).

در این پژوهش محقق بر آن است که هر چند متغیر نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشته باشد، اما بخش مهمی از واریانس آن توسط متغیرهای خرده‌فرهنگ دهقانی، سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی قابل تبیین است. به‌علاوه خود متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی در این میان نقش متغیر واسط را ایفا می‌نماید؛ انواع سرمایه، خرده‌فرهنگ دهقانی را تحت تأثیر قرار داده و از آن طریق بر نگرش روستاییان به مصرف آب در بخش کشاورزی اثر می‌گذارند. به‌علاوه هر کدام از متغیرهای مذکور به طور مستقیم نیز بر نگرش روستاییان به مصرف آب در بخش کشاورزی نیز اثر می‌گذارند. لازم به ذکر است که متغیرهای فوق هر کدام به عنوان متغیری پنهان که توسط چند معرف اندازه‌گیری می‌شوند، در مدل حاضر هستند. در جدول زیر اجزای مدل معادله‌ی ساختاری به تفکیک نوع متغیر و معرف‌های آن‌ها آمده است.

در برآورد مدل تدوین‌شده از روش دو مرحله‌ای استفاده شده است. در مرحله‌ی اول کلیه‌ی مدل‌های اندازه‌گیری درون مدل به صورت جداگانه برآورد شده و بعد از اطمینان از این که هر یک از آن‌ها از برازش قابل قبولی بر اساس شاخص‌های برازش مطلق، نسبی و مقتصد برخوردار هستند، وارد مدل اصلی شده‌اند. در این فرآیند معمولاً برخی از متغیرها که سازگاری خوبی با مدل اندازه‌گیری ندارند، حذف می‌شوند. در این جا نیز در مدل‌های اندازه‌گیری مختلف برخی از گویه‌ها به دلیل عدم تناسب حذف شده‌اند؛ بنابراین در مرحله‌ی نهایی برخی از گویه‌های مربوط به متغیرهای مختلف از فرآیند تحلیل حذف شده‌اند و تنها گویه‌هایی باقی مانده‌اند که دارای شرایط لازم در برآورد مدل بوده‌اند. در جدول شماره‌ی سه شرح این گویه‌ها و شکل توزیع آن‌ها توضیح داده شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی سه- متغیرهای حاضر در مدل معادله ساختاری

نام متغیر	نوع متغیر	معرف (متغیر مشاهده شده)
سرمایه اقتصادی	پنهان بیرونی	ارزش پولی منزل مسکونی
		درآمد ماهانه خانوار
		ارزش پولی ماشین آلات کشاورزی
		ارزش پولی اتومبیل شخصی
سرمایه اجتماعی	پنهان بیرونی	میزان باور به رواج فریب و تقلب در جامعه
		میزان اعتماد به شورای روستا
		میزان اعتماد به دهیار روستا
		میزان اعتماد به نیروی انتظامی
سرمایه فرهنگی	پنهان بیرونی	میزان آشنایی با کامپیوتر
		میزان آشنایی با شخصیت‌های ادبی
		میزان تحصیلات
خرده فرهنگ دهقانی	پنهان درونی	میزان موافقت با تغییر شیوه آبیاری
		میزان موافقت با کاشت محصولات جدید
		میزان موافقت با خرید ماشین آلات جدید
		میزان موافقت با استفاده از سم جدید
		میزان پس انداز پول برای آینده
		میزان پیش بینی کمبود آب در آینده
		میزان موافقت با بیمه محصولات کشاورزی
نگرش به مصرف آب	پنهان درونی	باور به اتمام آب به دلیل مصرف زیاد
		باور به عدم مصرف بدون محدودیت آب
		باور به نقش نوع آبیاری در هدر رفتن آب
		باور به کاشت محصولات کم مصرف

تدوین، برآورد و آزمون مدل ساختاری

بعد از تدوین مدل نظری، به برآورد پارامترهای آزاد و تحلیل شاخص‌های کلی و جزئی در مدل پرداخته می‌شود. از این طریق مشخص می‌شود که آیا داده‌های تجربی در کل مدل نظری را حمایت می‌کنند یا خیر. همان‌طور که گفته شد به دلیل وجود اجزای متعدد در مدل‌سازی معادله

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ساختاری، معمولاً پژوهش‌گر سعی دارد تا در برآورد مدل تدوین‌شده در گام اول مدل‌های اندازه‌گیری حاضر را در مدل برآورد و آزمون نماید(قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۲۸). از این رو در این پژوهش نیز ابتدا مدل‌های اندازه‌گیری حاضر در مدل معادله‌ی ساختاری و سپس مدل کامل برآورد و آزمون شده‌اند.

نتایج در جدول شماره‌ی چهار آمده است. همان‌طور که از داده‌های به‌دست‌آمده نمایان است، هر یک از مدل‌های مذکور بر اساس شاخص‌های برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد از وضعیت مناسبی جهت حضور در مدل اصلی برخوردار هستند. در همه مدل‌ها سطح معناداری شاخص کای اسکوئر بیش از ۰/ ۰۵ است که این امر نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری بین ماتریس واریانس- کواریانس نمونه‌ی مورد مطالعه و ماتریس واریانس- کواریانس بازتولید شده، وجود ندارد و این یعنی تأیید مدل از سوی داده‌های تجربی است. شاخص RMSEA نیز که مقدار قابل قبول آن پایین‌تر از ۰/۰۵ است. برای هر ٦ مدل مقدار قابل قبولی را نشان می‌دهد.

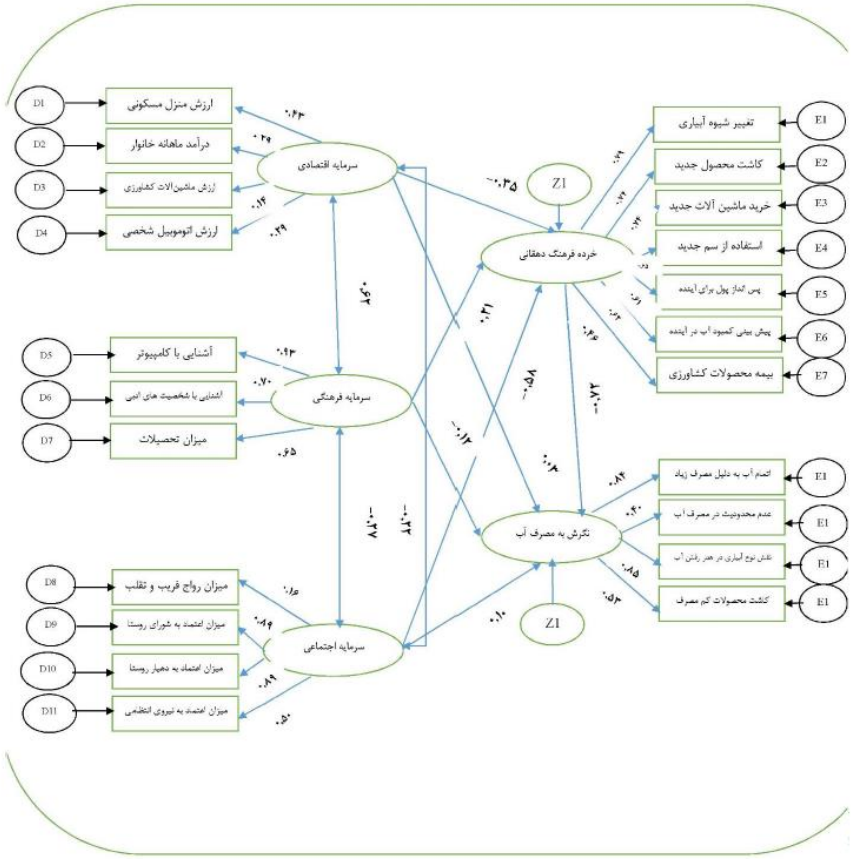
جدول شماره‌ی چهار- شاخص‌های کلی برازش مدل‌های اندازه‌گیری

شاخص	سرمایه اقتصادی	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	خرده فرهنگ دهقانی	نگرش به مصرف آب
NPAR	۱۰	۱۴	۱۲	۱۹	۱۰
DF	۵	۷	۳	۱۷	۵
Chi	۴.۹۹	۸.۲۵۵	۴.۳۶	۲۴.۰۸۱	۶.۷۶۳
P	۰.۴۱۷	۰.۳۱۱	۰.۲۲۵	۰.۱۱۷	۰.۲۳۹
CFI	۱	۰.۹۹	۰.۹۹	۰.۹۹	۰.۹۹
RMSEA	۰.۰۰۰	۰.۰۲۳	۰.۰۳۶	۰.۰۳۵	۰.۰۳۲

بعد از برآورد و برازش مدل‌های اندازه‌گیری، اکنون نوبت آزمون مدل نظری کل می‌باشد. مدل کلی که برآیند چارچوب نظری تحقیق باشد، در شکل شماره‌ی یک آمده است. در فرآیند برآورد آن، برخی از متغیرهای مشاهده به دلیل عدم تناسب با مدل، حذف شده‌اند. در ادامه به بررسی وضعیت مدل از نظر شاخص‌های مختلف برازش می‌پردازیم. ابتدا کلیت مدل (با استفاده از شاخص‌های برازش کلی) و سپس جزئیات آن با استفاده از مقادیر گزارش‌شده برای پارامترها و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

معناداری تفاوت آن‌ها با صفر به ویژه برای ضرایب تأثیر یا ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.



شکل شماره‌ی یک- معادله ساختاری کل

شاخص‌های برازش مطلق: معمولاً به عنوان اولین شاخص، مقدار کای اسکوئر را گزارش می‌کنند؛ اما نکته قابل ذکر در این جا این است که شاخص برازش کلی کای اسکوئر به هیچ وجه به تنهایی نشان‌دهنده‌ی قابل قبول یا غیرقابل قبول بودن مدل نیست (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۹۹). اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوئر برابر است با ۲۵۳/۷۳۰. از آن جایی که کای اسکوئر با اطمینان ۰/ ۹۹ درصد معنادار است، این امر به معنای رد فرضیه‌ی صفر و بیان‌گر وجود تفاوت معنادار بین ماتریس واریانس - کواریانس مدل و ماتریس واریانس کواریانس مشاهده شده است. معنادارشدن این شاخص می‌تواند به دلیل حساسیت به حجم نمونه باشد؛ زیرا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

حجم نمونه‌ی زیاد منجر به بالارفتن مقدار آن و در نتیجه تأیید فرضیه‌ی صفر می‌شود. البته در اکثر موارد در چنین حالتی شاخص کای اسکوئر نسبی(CMIN/DF) را مبنای قضاوت درباره‌ی مدل قرار می‌دهند. مقادیر ۱ تا ۵ برای این شاخص مطلوب و مقادیر بین ۲ تا ۳ بسیار خوب تلقی می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره‌ی پنج مشاهده می‌شود، این مقدار برای مدل ما ۱/۳۰۱ که مورد قبول بوده و تا حدودی خوب تلقی می‌شود.

جدول شماره‌ی پنج- شاخص‌های برازش مطلق

مدل	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF
مدل تدوین شده	۸۰	۲۵۳.۷۳۰	۱۹۵	۰.۰۰۳	۱.۳۰۱
مدل اشباع شده	۲۷۵	۰.۰۰۰	۰	.....	.....
مدل استقلال	۴۴	۲۷۵۲.۳۵۳	۲۳۱	۰.۰۰۰	۱۱.۹۱۵

شاخص‌های برازش نسبی: بر طبق داده‌های جدول شماره‌ی شش، کلیه‌ی شاخص‌های نسبی برای مدل تدوین‌شده در وضعیت مناسبی قرار دارند. در این شاخص‌ها مقدار بالاتر از ۰/۹۰ در اغلب منابع به عنوان مقداری مطلوب و قابل قبول در نظر گرفته می‌شود. از آن جایی که این شاخص‌ها برای مدل تدوین‌شده در این جا بالاتر از ۰/۹۰ هستند، پس نتیجه می‌گیریم که مدل از وضعیت مطلوبی از نظر شاخص‌های نسبی برخوردار است.

جدول شماره‌ی شش- شاخص‌های برازش نسبی

مدل	NFI Delta۱	RFI rho۱	IFI Delta۲	TLI rho۲	CFI
مدل تدوین شده	۰.۹۰۸	۰.۹۰	۰.۹۷۷	۰.۹۷۲	۰.۹۷۷
مدل اشباع شده	۱	۱	۱	۱	۱
مدل استقلال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

شاخص‌های برازش مقتصد: مقادیر بالاتر از ۰/۵۰ و در برخی منابع بالاتر از ۰/۶۰ حاکی از قابل قبول بودن مدل است؛ به عبارت دیگر نشان می‌دهند که محقق در آزادگذاشتن پارامترها، مقتصدانه عمل کرده است. نتایج حاصل از خروجی‌های AmosGraphic در جدول شماره‌ی هفت نشان می‌دهند که همه‌ی این شاخص‌ها برای مدل تدوین‌شده در حد بسیار مطلوبی قرار دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی هفت- شاخص‌های برازش مقتصد

مدل	PRATIO	PNF I	PCF I
مدل تدوین شده	۰.۸۴۴	۰.۷۶۶	۰.۸۲۴
مدل اشباع شده	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
مدل استقلال	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱

شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات باقی‌مانده

این شاخص بین دو مقدار صفر و یک متغیر است و به عنوان یکی از شاخص‌های بدی برازش شناخته می‌شود؛ بنابراین هرچه مقدار آن کم‌تر و به صفر نزدیک‌تر باشد، قابل قبول‌تر است. این شاخص دارای نقطه برش ۰۵/۰ است؛ یعنی مقادیر پایین‌تر از آن بیانگر قابل قبول بودن مدل است. در مدل تدوین‌شده در این پژوهش بر طبق جدول شماره‌ی هشت شاخص RMSEA برابر است با ۰/۰۳ که بیانگر قابل قبول بودن مدل است.

جدول شماره‌ی هشت- شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده

مدل	RMSEA	LO ۹۰	HI ۹۰	PCLOSE
مدل تدوین شده	۰.۰۳	۰.۰۱۸	۰.۰۳۹	۱
مدل استقلال	۱۷۸	۱۷۲	۱۸۴	۰.۰۰۰

برآورد پارامترها

در معنای عام آماری، هر شاخص آماری که ویژگی‌های یک جامعه‌ی آماری را توضیح دهد، پارامتر نامیده می‌شود؛ اما در معادلات ساختاری، پارامترها عموماً مجموعه‌ای از مقادیر ناشناخته هستند که مایل به برآورد آن‌ها هستیم(قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۸). اثرات مستقیم استاندارد بین متغیرهای مستقل و وابسته، اولین پارامترهای برآوردشده هستند. در جدول زیر مقادیر مربوط به اثرات مستقیم استاندارد، متغیرهای مستقل بر متغیرهای میانی و متغیر وابسته آمده است. این مقادیر در واقع همان ضرایب رگرسیونی یا ضرایب ساختاری هستند که نشان می‌دهند که با یک انحراف استاندارد تغییر متغیر مستقل، متغیر وابسته چه میزان تغییر خواهد کرد. همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۲۱ و ۰/۵۸ از تغییراتِ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی را تبیین می‌کنند. بیش‌ترین اثرات مربوط به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است. رابطه‌ی منفی در این مورد به معنای اثر معکوس متغیرهای مذکور بر متغیر وابسته است.

این ارتباط منطقی بوده و دارای توجیه نظری است. در واقع حضور افراد در فضای اجتماعی با حجم ترکیب‌های مختلفی از انواع سرمایه، منجر به برخورداری از میزان متفاوتی از خرده‌فرهنگ دهقانی است؛ به عبارت دیگر کشاورزانی که از سرمایه‌ی اقتصادی بیش‌تری برخوردارند و سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها نیز قابل توجه است، کم‌تر از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی برخوردار هستند؛ یعنی کم‌تر تقدیرگرا بوده و از نوآوری استقبال می‌نمایند و منافع بلندمدت در آینده را فدای منافع آنی نمی‌کنند. با این حال به نظر می‌رسد که رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و خرده‌فرهنگ دهقانی به لحاظ نظری از جایگاه منطقی برخوردار نیست؛ چرا که این رابطه هرچند ضعیف می‌باشد، اما معکوس نیست؛ یعنی مقدار ۰/۲۱ بیان‌گر هم‌تغییری دو متغیر مستقل و وابسته در جهتی مشابه است؛ به عبارت دیگر با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی، افراد بیش‌تر از خرده‌فرهنگ دهقانی برخوردار هستند. با وجود هم‌سوکردن گویه‌های مربوطه، این وضعیت تغییری نکرد. تنها دلیل نظری این امر که برای محقق توضیحی قانع‌کننده به نظر می‌رسد این است که این امر مربوط به متغیر تحصیلات پاسخ‌گویان است. در واقع از آن جایی که در مدل اندازه‌گیری سرمایه‌ی فرهنگی از مجموع گویه‌های واردشده به مدل، تنها چهار گویه از شرایط مناسب‌ماندن در مدل برخوردار بودند و یکی از آن‌ها نیز میزان تحصیلات پاسخ‌گویان است؛ لذا نقش مؤثری در تعیین نوع رابطه بین دو متغیر داشته است. با توجه به بالابودن میانگین سنی پاسخ‌گویان و پایین‌بودن میزان تحصیلات اکثر آن‌ها، می‌توان گفت که منطقی است که تفاوت معناداری بین پاسخ‌گویان از نظر میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ دهقانی و سرمایه‌ی فرهنگی وجود نداشته باشد.

جدول شماره‌ی نه- اثرات مستقیم استاندارد متغیرهای مستقل بر متغیرهای میانی و متغیر وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل			
	سرمایه اقتصادی	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	خرده فرهنگ دهقانی
خرده فرهنگ دهقانی	-۰.۳۵	۰.۲۱	-۰.۵۸	۰.۰۰۰
نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی	۰.۰۳۳	-۰.۱۲	۰.۱۱	-۰.۷۲۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در این تحقیق متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی به عنوان متغیری میانجی در مدل معادله‌ی ساختاری در نظر گرفته شده است. بدین معنا که هر یک از متغیرهای مستقل علاوه بر تأثیر مستقیمی که بر نگرش نسبت به مصرف آب در بخش کشاورزی دارند، از طریق متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی نیز بر این متغیر اثر می‌گذارند. در واقع همان‌طور که در بخش آزمون فرضیه‌های تحقیق مشخص خواهد شد، اثرات این متغیرها بر نگرش نسبت به مصرف آب صرفاً از طریق اثراتی که بر متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی دارند، معنادار است. این امر از ارتباط متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی با نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی نمایان است. طبق جدول شماره‌ی نه در این مورد متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی ۰/۷۲- درصد از تغییرات نگرش به مصرف آب را در بخش کشاورزی تبیین می‌کند. این میزان قابل توجه بوده و نوع رابطه نیز از لحاظ نظری قابل توجیه است. در واقع رابطه‌ی منفی بیان‌گر این است که با افزایش میزان خرده‌فرهنگ دهقانی میزان نگرش صرفه‌جویانه در کشاورزان کاهش می‌یابد.

با توجه به داده‌های جدول شماره‌ی ده هر یک از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ترتیب ۰/۲۵، ۰/۱۵۳- و ۰/٤۲ درصد از تغییرات متغیر نگرش به مصرف آب را تبیین می‌کنند. در این جا نیز همچون مورد قبلی متغیر سرمایه‌ی فرهنگی ارتباطی منطقی با نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی ندارد؛ زیرا این ارتباط منفی است و این به معنای این است که با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی نگرش به مصرف آب به سمت دیدگاه مصرف‌گرایانه سیر می‌کند. در صورتی که به لحاظ نظری باید برعکس این قضیه رخ دهد. با این حال ارتباط دو متغیر دیگر منطقی بوده و میزان قابل توجهی از تغییرات متغیر وابسته را توجیه می‌کنند. به ویژه در مورد سرمایه‌ی اجتماعی که ٤۲ درصد از تغییرات نگرش به مصرف آب را در بخش کشاورزی تبیین می‌کند. این مورد از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا دو بعد اعتماد عمومی و اعتماد نهادی تشکیل‌دهنده‌ی ابعاد اصلی سرمایه‌ی اجتماعی در مدل برآوردشده هستند. این امر نشان می‌دهد که به میزانی که افراد به نهادهای مختلف دولتی از یک سو و سایر کشاورزان از سوی دیگر اعتماد داشته باشند، بیش‌تر دارای نگرش صرفه‌جویانه در مصرف آب در بخش کشاورزی می‌شوند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی ده- اثرات غیرمستقیم استاندارد متغیرهای مستقل، از طریق متغیر میانی بر متغیر وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل			
	سرمایه اقتصادی	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	خرده فرهنگ دهقانی
خرده فرهنگ دهقانی	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی	۰.۲۵	-۰.۱۵۳	۰.۴۲	۰.۰۰۰

در جدول شماره‌ی یازده اثرات کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته آمده است. برای متغیرهایی که اثر غیرمستقیم بر متغیر وابسته ندارند، اثر کل، مساوی با اثر مستقیم است. به همین خاطر از تکرار توضیح نوع رابطه‌ی متغیرهای سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی و چگونگی رابطه‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی صرف نظر می‌شود.

مقادیر به‌دست‌آمده از افزایش اثر سرمایه‌ی اقتصادی و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی بر متغیر نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی حکایت دارد. کاهش اثر سرمایه‌ی اجتماعی خیلی قابل توجه نیست؛ اما افزایش اثر سرمایه‌ی اقتصادی چشم‌گیر و معنادار است؛ بنابراین اگرچه سرمایه‌ی اقتصادی مستقیماً بر نگرش به مصرف آب اثر ضعیفی دارد، اما در کل ۰/٤۰ درصد از تغییرات این متغیر را تبیین می‌کند؛ بنابراین می‌توان به لحاظ نظری چنین استدلال نمود که کشاورزانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار هستند، نگرش صرفه‌جویانه‌تری به مصرف آب در بخش کشاورزی دارند.

جدول شماره‌ی یازده- اثرات کل استاندارد متغیرهای مستقل بر متغیرهای میانی و متغیر وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل			
	سرمایه اقتصادی	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	خرده فرهنگ دهقانی
خرده فرهنگ دهقانی	-۰.۳۴۵	۰.۲۱	-۰.۵۸	۰.۰۰۰
نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی	۰.۴۰	-۰.۲۸	۰.۵۳	-۰.۷۲

آزمون فرضیات

در جدول شماره‌ی دوازده شاخص‌های جزئی برازش نسبت بحرانی (C. R) و سطح معناداری (p) برای کلیه‌ی ضرایب ساختاری آمده است. کوچک‌تربودن مقدار p از ۰/۰۵ بیان‌گر تفاوت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

معنادار ضرایب رگرسیونی محاسبه‌شده با صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد بوده و معیاری برای آزمون فرضیات است. به طور کلی نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از مجموع هفت فرضیه‌ی مطرح‌شده در این تحقیق سه فرضیه رد و چهار فرضیه تأیید شده است. در ادامه به تفکیک به آزمون هر یک از فرضیات پرداخته می‌شود.

جدول شماره‌ی دوازده- نسبت بحرانی و سطح معناداری ضرایب ساختاری و آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه‌ها	مسیرها	S. E.	C. R	P
فرضیه اول	بین سرمایه اقتصادی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۰۰۰	۰.۳۴۹	۰.۷۲۷
فرضیه دوم	بین سرمایه اجتماعی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۴۰۶	۱.۴۰۹	۰.۱۵۹
فرضیه سوم	بین سرمایه فرهنگی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۰۰۲	-۱.۶۲	۰.۱۰۵
فرضیه چهارم	بین سرمایه اقتصادی و خرده فرهنگ دهقانی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۰۰۰	۲.۲۰۳	۰.۰۲۸
فرضیه پنجم	بین سرمایه اجتماعی و خرده فرهنگ دهقانی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۸۵۷	-۲.۸۰	۰.۰۰۵
فرضیه ششم	بین سرمایه فرهنگی و خرده فرهنگ دهقانی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۰۰۲	۲.۱۷۵	۰.۰۳۰
فرضیه هفتم	بین خرده فرهنگ دهقانی و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی در میان کشاورزان شهرستان گرمسار ارتباط معناداری وجود دارد.	۰.۱۰۶	۸.۹۲۷	۰.۰۰۰

فرضیه‌ی اول: طبق جدول و بر اساس شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر سرمایه‌ی اقتصادی بر مصرف آب در بخش کشاورزی دارای تفاوت معناداری با صفر نیست؛ بنابراین می‌توان گفت که گرایش به مصرف زیاد و یا صرفه‌جویی در مصرف آب در بخش کشاورزی ارتباطی به وضعیت اقتصادی کشاورزان ندارد.

فرضیه‌ی دوم: طبق جدول و بر اساس شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر مصرف آب در بخش کشاورزی دارای تفاوت معناداری با صفر نیست؛ بنابراین می‌توان گفت که گرایش به مصرف زیاد و یا صرفه‌جویی در مصرف آب در بخش کشاورزی ارتباطی به سرمایه‌ی اجتماعی کشاورزان ندارد.

فرضیه‌ی سوم: طبق جدول و بر اساس شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر سرمایه‌ی فرهنگی بر مصرف آب در بخش کشاورزی دارای تفاوت معناداری با صفر نیست؛ بنابراین می‌توان گفت که گرایش به مصرف زیاد و یا صرفه‌جویی در مصرف آب در بخش کشاورزی ارتباطی به سرمایه‌ی فرهنگی کشاورزان ندارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیه‌ی چهارم: بر اساس داده‌های جدول فوق و طبق شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر سرمایه‌ی اقتصادی بر خرده‌فرهنگ دهقانی تفاوت معناداری با صفر دارد. مقدار p برای این دو متغیر ۰/۰۲۸ است که پایین‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان گفت میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ دهقانی در بین کشاورزان گرمسار متأثر از میزان سرمایه‌ی اقتصادی آن‌ها است.

فرضیه‌ی پنجم: طبق جدول و بر اساس شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر خرده‌فرهنگ دهقانی تفاوت معناداری با صفر دارد. مقدار p برای این دو متغیر ۰/۰۰۵ است که پایین‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان گفت میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ دهقانی در بین کشاورزان گرمسار متأثر از میزان سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها است.

فرضیه‌ی ششم: طبق جدول و بر اساس شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر سرمایه‌ی فرهنگی بر خرده‌فرهنگ دهقانی تفاوت معناداری با صفر دارد. مقدار p برای این دو متغیر ۰/۰۳ است که پایین‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان گفت میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ دهقانی در بین کشاورزان گرمسار متأثر از میزان سرمایه‌ی فرهنگی آن‌ها است.

فرضیه‌ی هفتم: طبق جدول و بر اساس شاخص‌های جزئی برازش، یعنی نسبت بحرانی و سطح معناداری اثر خرده‌فرهنگ دهقانی بر مصرف آب در بخش کشاورزی دارای تفاوت معناداری با صفر است؛ بنابراین می‌توان گفت که افرادی که تقدیرگراتر هستند، در برابر نوآوری مقاومت می‌کنند و آینده‌نگر نمی‌باشند، گرایش به مصرف آب بیش‌تری در بخش کشاورزی دارند.

نتیجه‌گیری

قرار این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی با مصرف آب در بخش کشاورزی در شهرستان گرمسار به انجام رسید. در راستای این هدف نمونه‌ای ۳٦٦ نفری از بهره‌برداران کشاورز این شهرستان مورد مطالعه گرفته و داده‌های مورد نیاز از راه پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته گردآوری و با استفاده از روش مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که داده‌های تجربی گردآوری‌شده مدل نظری را پشتیبانی کرده و در نتیجه ارتباط منطقی بین متغیرهای مستقل، واسط و وابسته وجود دارد. در واقع نتایج

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نشان داد که انواع مختلف سرمایه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارتباط مستقیمی با نگرش به مصرف آب ندارند؛ اما از طریق متغیر خرده‌فرهنگ دهقانی اثرات غیر مستقیمی بر متغیر وابسته دارند.

به طور کل نتایج این پژوهش در راستای نتایج پژوهش‌های پیشین در سراسر دنیا و همچنین در داخل کشور قرار دارد. همچون سایر پژوهش‌های انجام‌شده نشان‌دهنده‌ی اهمیت ابعاد اجتماعی- فرهنگی آب‌یاری به عنوان کنشی اقتصادی و متأثر از دیدگاه و نگرش کشاورزان است. برای مثال اهمیت سرمایه‌ی فرهنگی و نقش سواد در خرده‌فرهنگ دهقانی در این پژوهش در تأیید نتایج پژوهش کلودیا *و دیگران*(۲۰۰۷) مبنی بر اهمیت یادگیری اجتماعی و فرهنگی در اجرای مدیریت یکپارچه آب است. همچنین بعد فقدان نوآوری که به انطباق جامعه‌ی دهقانی با تکنولوژی‌های مدرن اشاره دارد، با نتایج تحقیق راکش تیواری(۲۰۱۰) در پاکستان هم‌سو است. مقاومت در برابر تغییر شیوه‌ی آب‌یاری، کاشت، نوع محصولات و... می‌تواند یکی از موانع اصلی توسعه‌ی پایدار در حوزه‌ی آب باشد. به‌علاوه یافته‌های تحقیق مارسل کوپر *و دیگران* در سال ۲۰۰۹ در مراکش مبنی بر اهمیت مشارکت و یادگیری روستاییان در یک فضای مشارکتی هم‌سو است. همچنین در مورد پژوهش‌های داخلی نیز می‌توان به دو مورد از پژوهش‌هایی اشاره کرد که نتایج‌شان تا حدود زیادی با نتایج پژوهش حاضر قابل مقایسه است. نتایج تحقیق نوری *و دیگران* که بر رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین مشارکت اجتماعی با نگرش کشاورزان به مدیریت آب زراعی تأکید داشت، متفاوت از نتیجه‌ی پژوهش حاضر است. مشارکت در کنار اعتماد نهادی و عمومی یکی از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی است. در این تحقیق نشان داده شد که مشارکت اجتماعی در مدل برآوردشده جای ندارد. در واقع نتایج معادله‌ی ساختاری بیان‌گر رابطه‌ی ابعاد اعتماد نهادی و اعتماد عمومی سرمایه‌ی اجتماعی با خرده‌فرهنگ دهقانی و در نتیجه نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی است. نتایج تحقیق عبدالمجید نظری و رضا منافی آذر در میاندوآب نیز بیان‌گر ارتباط بین متغیرهایی همچون؛ تحصیلات، درآمد و... با پذیرش شیوه‌های جدید آب‌یاری بود. این نتایج به نوعی با نتایج پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین سرمایه‌ی اقتصادی و اجتماعی با خرده-فرهنگ دهقانی هم‌خوانی دارد. در مورد سایر پژوهش‌ها نیز چنین است؛ چه آن‌هایی که مدیریت و حکم‌روایی منابع آب را مورد مطالعه قرار داده‌اند و چه آن‌هایی که بر بسترهای اجتماعی فرهنگی نظام آب‌یاری به عنوان کنشی جمعی تأکید داشته‌اند، همگی اهمیت عوامل اجتماعی - فرهنگی در مصرف و نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی را تأیید می‌کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

با وجود هم‌سویی نتایج این پژوهش در برخی از موارد با سایر پژوهش‌های بررسی‌شده، نقاط متمایزی نیز در این رابطه قابل تشخیص است. از جمله این که در هیچ یک از پژوهش‌های انجام‌شده ارتباط متغیرهای مختلف با یکدیگر در قالب یک مدل به آزمون گذاشته نشده است. تبیین این ارتباط بر اساس مدل معادله‌ی ساختاری تصویری کلی از ساختار حاکم بر روابط بین متغیرهای مختلف و نقش و جایگاه هر یک از آن‌ها در تبیین نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی به دست می‌دهد. به‌علاوه در هیچ یک از موارد مورد بررسی به نگرش و دیدگاه کشاورزان درباره‌ی مصرف آب در بخش کشاورزی پرداخته نشده بود. همچنین نقش فرهنگ دهقانی به عنوان یک شیوه‌ی زندگی و جهان‌بینی متفاوت روستاییان مورد توجه موارد بررسی شده نبود. تأکید این مطالعه بر خرده‌فرهنگ دهقانی و روشن‌نمودن نقش و جایگاه آن در حوزه‌ی مصرف آب را در بخش کشاورزی می‌توان از دیگر موارد متمایز پژوهش حاضر دانست.در تبیین نظری نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان گفت که استدلال این پژوهش این بود که آب‌یاری علاوه بر این که از جنبه‌های فنی و مهندسی برخوردار بوده و نوع و شیوه‌ی آب‌یاری می‌تواند به میزان متفاوتی از مصرف آب در بخش کشاورزی منجر شود، از یک سازمان اجتماعی نیز برخوردار است. این سازمان اجتماعی دارای سازوکارهای خاص خود بوده و می‌تواند از بستر اجتماعی – فرهنگی تأثیر بپذیرد و بر آن تأثیر بگذارد. در واقع می‌توان گفت که کنش آب‌یاری در بستر اجتماعی – فرهنگی جامعه‌ای مانند گرمسار حک شده است. کنش‌گرانی که در این بستر و فضای اجتماعی فعال هستند، از نظر پایگاه طبقاتی و میزان برخورداری از انواع سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت هستند. این امر دیدگاه و نگرش آن‌ها درباره‌ی مصرف آب را در بخش کشاورزی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌ی آب که امروزه به بحرانی امنیتی در جامعه ما تبدیل شده است، نیازمند درنظرگرفتن فاکتورهای اجتماعی – فرهنگی است.

نتایج این پژوهش تا حدود زیادی در راستای تأیید استدلال فوق بوده است. خرده‌فرهنگ دهقانی به عنوان یکی از متغیرهای فرهنگی تأثیرگذار در ممانعت و مقاومت در برابر اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی روستایی جایگاهی کلیدی در مدل برآوردشده دارد. ارتباط معنادار این متغیر با همه متغیرهای مستقل و به ویژه ارتباط قوی و معنادار آن با متغیر وابسته نگرش به مصرف آب در بخش کشاورزی از اهمیت نقش و جایگاه میانجی‌گرانه‌ی آن در شیوه و الگوی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آب‌یاری و مسئله‌ی آب و همچنین در ارائه‌ی هرگونه برنامه و سیاستی در رابطه با بحران کم‌آبی حکایت دارد.

کشاورزان گرمسار به دلیل وضعیت بد اقتصادی و پایین‌بودن میزان سرمایه‌ی اقتصادی، نگرشی مصرف‌گرایانه درباره‌ی آب در بخش کشاورزی دارند. در واقع آن‌هایی که از سرمایه‌ی اقتصادی کم‌تری برخوردار هستند، نگرش صرفه‌جویانه درباره‌ی آب را رد می‌کنند. می‌توان گفت که منافع کوتاه‌مدت و آنی را بر منافع بلندمدت در آینده ترجیح می‌دهند. پس فقدان توجه به آینده از یک طرف متأثر از میزان سرمایه‌ی اقتصادی است و از سوی دیگر معطوف به نگرش مصرف‌گرایانه در مورد آب است.

نکته‌ی دیگر این که عدم اعتماد عمومی و نهادی به عنوان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی کشاورزی گرمسار می‌تواند غیر مستقیم بر مصرف آب در بخش کشاورزی تأثیر داشته باشد. این امر در کشاورزانی که دارای خرده‌فرهنگ دهقانی قوی هستند، نمایان‌تر است. در یک فضای اجتماعی عاری از اعتماد کنش‌گران بیش‌تر از هر جای دیگری منافع خود و به ویژه منافع کوتاه‌مدت را ترجیح می‌دهند و کم‌تر توجه به آینده دارند. به‌علاوه نسبت به برنامه‌های دولتی در زمینه‌ی اجرای آب‌یاری جهت کاهش مصرف آب بدبین بوده و در برابر آن مقاومت می‌کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. آذره، علی، زهتابیان، غلامرضا، نظری سامانی، علی اکبر و خسروی، حسن (۱۳۹٤) «پایش بیابان‌زایی دشت گرمسار با تأکید بر دو معیار آب و کشاورزی، مرتع و آبخیزداری»، **مجله‌ی منابع طبیعی ایران**، دوره‌ی ٦۸، شماره‌ی ۳: ٤۳۹-٤۲۷.

۲. آل شفیعی فومنی، یعقوب (۱۳۸۸) «آب و چالش‌های آن»، **مجله‌ی رشد آموزش و جغرافیا**، شماره‌ی ۸٦: ۱۲-۹.

۳. آقامحمدی، قربانعلی و میرمحمدی، فریده (۱۳۸۷) «تحلیل جامعه‌شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی(مطالعه‌ی مورد: نگرش زنان شهرستان‌های نوشهر و چالوس)» **پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، سال ۲، شماره‌ی ۳: ۸۲-۵۵.

٤. ابراهیمی، رضا (۱۳۹۳) «نقش تغییرات اقتصادی – اجتماعی در سیاست‌گذاری برای آب»، **شبکه‌ی مطالعات سیاست‌گذاری عمومی**، شماره‌ی ۲۲۰۰۰۱۸، http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=10993

۵. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۳) «نگرش، ویژگی‌ها و اجزای آن»، **فصل‌نامه‌ی آموزه**، شماره‌ی ۲۲: ۸-۵.

٦. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷) **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی**، تهران: انتشارات اطلاعات.

۷. اسدی، نوش‌آذر (۱۳٤٦) **نگاهی به گرمسار سرزمین خورشید درخشان**، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی پارینه‌ی تهران.

۸. بردبار، مرضیه، سلوکی، میثم و بردبار، میترا، ۱۳۸۸، «راه‌کارها و روش‌های کاربردی برای مصرف بهینه‌ی آب در بخش کشاورزی»، **مجموعه‌مقالات همایش ملی مدیریت بحران آب**، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت: ٤۱-۲۸.

۹. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱) **نظریه‌ی کنش**، ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات نقش و نگار.

۱۰. شمس‌الدینی، یوسف (۱۳۹۰) «**بهینه‌سازی مصرف آب آب‌یاری با تأکید بر اهداف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در استان کرمان**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۱. قاسمی، وحید (۱۳۹۲) **مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی**. تهران: جامعه‌شناسان.

۱۲. کرم‌پور، مصطفی و یوسف وند، سامان (۱۳۹۱) «بررسی نظریه‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز(بررسی موردی: روستاهای منطقه‌ی کهمان شهرستان سلسله)»، **نشریه‌ی توسعه‌ی محلی روستایی - شهری (توسعه‌ی روستایی)**، دوره‌ی ٤، شماره‌ی ۲: ۱٦۳-۱۳۹.

۱۳. مساعدی، ابوالفضل، حسنعلی‌زاده، نفیسه، قبایی سوق، محمد و حیران، فاطمه (۱۳۹٤) «بررسی تأثیر اجرای طرح فرهنگی نجات آب کشاورزی بر میزان آگاهی و نگرش افراد در ارتباط با موضوع بحران آب»، **نشریه‌ی آب‌یاری و زه‌کشی ایران**، جلد ۹، شماره‌ی ۳: ٥٤۹-٥٤۰.

۱٤. مشیری، ژیلا، ۱۳۹٤، «مطالعه‌ی کاربردی نقش آب و فرهنگ آن در گرمسار» **مجموعه‌مقالات فرهنگ و مشارکت اجتماعی در حکمرانی منابع طبیعی، آب و محیط زیست(کتاب اول)**، به کوشش مهدی قربانی، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردش‌گری، ۱۰۳-۸۷.

۱٥. نظری، عبدالحمید و منافی آذر، رضا (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی عوامل و موانع پذیرش شیوه‌های نوین آب‌یاری در بین کشاورزان (مطالعه‌ی موردی: شهرستان میاندوآب)، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره‌ی ٤٦، شماره‌ی ۳: ٦۳٤-٦۱٥.

۱٦. نوری، هدایت‌الله، جمشیدی، علیرضا، جمشیدی، معصومه، هدایتی مقدم، زهرا و فتحی، عفت (۱۳۹۲) «تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر نگرش کشاورزان درباره‌ی مدیریت آب زراعی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان شیروان و چرداول)»، **تحقیقات اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی ایران**، دوره‌ی ٤٤، شماره‌ی ٤: ٦٥٥-٦٤٥.

17. Awasthi, A, Uniyal, S. K, Rawat, G. S, and Rajvanshi, A. (2003) Forest resource availability and its use by the migratory villages of Uttarkashi, Garhwal Himalaya (India) Forest Ecology and Management. Vol. 174, No. 1-3, pp. 13-24

18. Bossenbroek, Lisa and Zwarteveen, Margreet. (2014) Irrigation Management in the Pamirs in Tajikistan: A Man's Domain, Mountain Research and Development, Vol. 34, No. 3, Gender and SustainableDevelopment in Mountains—Transformative Innovations, Tenacious Resistances (Aug 2014),pp. 266-275

19. Claudia, Pahl-Wostl, Tàbara David, Bouwen Rene, Craps Marc, Dewulf Art, Mostert Erik, Ridder Dagmar and Taillieu Tharsi. (2007) The Importance of Social Learning and Culture for Sustainable Water Management, Institute of Environmental Systems Research, University of Osnabrück, Germany, September 2007

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

20. Cox, Michael. (2014) Applying a Social-Ecological System Framework to the Study of the Taos Valley Irrigation System, Human Ecology, Vol. 42, No. 2, pp. 311-324
21. Fischer, A. and Wal, R. V. D. (2007) Invasive plant suppresses charismatic seabird –the construction of attitudes towards biodiversity management options. Biological Conservation. Vol. 135, NO. 2, pp. 256-267
22. Frank A Ward and Manuel Pulido-Velazquez. (2008), Water Conservation in Irrigation Can Increase Water Use, Proceedings of t he National Academy of Sciences of the United States of America, Vol. 105, No. 47 (Nov. 25, 2008), pp. 18215-18220
23. Global Water Outlook to 2025, 2002 . International water management institute. Washington DC. US
24. Kuper,Marcel, Mathieu Dionnet, Ali Hammani, Younes Bekkar, Patrice Garin and Bettina Bluemling. (2009) Supporting the Shift from State Water to Community Water Lessons from a SocialLearning Approach to Designing Joint Irrigation Projects in Morocco, Ecology and Society, Vol. 14, No. 1
25. Nkembi, L. N. (1998) Participatory forest conservation and sustainable livelihoods: Banyang-Mbo wildlife sanctuary". Available on: http://www.fao.org/docrep/article/wfc/xii/0630-c1.htm
26. Sarkar, Anindita. (2011) Socio-economic Implications of Depleting Groundwater Resource in Punjab: A Comparative Analysis of Different Irrigation Systems, Economic and Political Weekly,Vol. 46, No. 7 (FEBRUARY 12-18, 2011), pp. 59, 61-66
27. Sekhar, N. U. (2003) Local people's attitudes towards conservation and wildlife tourism around Sariska Tiger Reserve, India". Journal of Environmental Management. Vol. 69, No. 4, pp. 339-347
28. Timothy, Waring, M. (2011) Ethnic Forces in Collective Action Diversity, Dominance, and Irrigation in Tamil Nadu, Ecology and Society,Vol. 16, No. 4 (Dec 2011)
29. Tiwary, Rakesh. (2010) Social Organisation of Shared Well Irrigation in Punjab. Economic and Political Weekly Vol. 45, No. 26/27 (JUNE 26-JULY 9, 2010), pp. 208-219
30. Turner,J.H. (1998) The structure of sociological theory, Belmont Clifornia, Wadsworth publishing company
31. UNEP 2007. United Nation Environmental Program.GEO 4. Global Environmental outlook – Environment for development. Malta

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]